

مولانا سید محمد مبارک شاه گیلانی فطرت

شخصیت ادبی و فرهنگی مولانا مبارک شاه گیلانی متخلص به فطرت بر کسی در کشمیر پوشیده نیست. او یکی از پاسداران زبان فارسی بوده که شعر و ادب فارسی را در عصر حاضر زنده نگاه داشته است. فطرت فرزند سید غلام الدین شاه گیلانی بوده است که بتاریخ ۲۹ ماه شعبان سال ۱۳۱۶ هجری قمری مطابق با ۱۸۹۴ میلادی در محله لی که در حوالی خانقاه معلی در شهر سرینگر واقع است دیده به جهان گشود. تحصیلات مقدماتی پیش پدر بزرگوارش بپایان برد. در کودکی قرآن از بر نمود و در کتب تربیت مولانا اسدالله کلاشپوری زبان فارسی و عربی یاد گرفت چنانچه از کودکی طبع موزونش مترنم به شعر فارسی شد و در بر و مندی سر به مکاتب عرفان سپرد. بهر عنایت استاد مولانا محی الدین ماتچو درس اصول تافیه و صرف و نحو یاد گرفت در علوم عقلیه و نقلیه از شیخ الحدیث مولانا انور شاه کشمیری لولابی که یکی از علمای شهر کشمیر بوده است کسب فیض نمود. در موسیقی صوفیانه نیز علاقه داشت و این فن شریف را پیش استاد مولانا خلیل الله اندرواری یاد گرفت. فطرت برای تحصیلات دانشگاهی در دانشگاه پنجاب ثبت نام نمود و از آن دانشگاه به اخذ سند "منشی فاضل" که برابر بالیسانس فارسی میباشد تایل آمد. ادبیاً از اداره "بزم اطیبای دهلی" در رشته طب دیپلوم گرفت.

فطرت علاوه بر ایالات مختلف هند در ممالک بهجوار بویژه در ممالک آسیای مرکزی مسافرتهای طولانی نموده است. در سال ۱۹۳۴ میلادی قریضه حج بیت الله

پروفیسور محمد صدیق نیازمند - مرکز مطالعات ادب و زبان فارسی و آسیای مرکزی دانشگاه جواهر لال نهرو - دہلی

انجام داد. از این مسافرت‌های طولانی تجربات وافر بدست آورد و این تجربات و اندوخته‌ها طبع
شاعرانه او به شور و میحان در آورد و اشعار فارسی او را با شور و شوق و عرفان آشتا ساخت.
فطرت در حدود سه هزار بیت فارسی در قالب‌های مثنوی رباعی مرثیه غزل و قطعه دارد.
آثار نظم و نثر فارسی و اردو که از این شاعر سرشناس یادگار مانده است بدین قرار است.
سفرنامه یارفتن گلستان بهجت مشیرالسادات الثقلین اسرارالابرار اشجار
الابرار حقانی دایره سادات گیلانی مفید الطالبین و اتحاد عمل فطرت در او آخر زندگی خود در محله
مدین صاحب در شهر سریناگر مسکن داشت و در همانجا زندگی می‌کرد. وفات او بروز
۲۲ ربیع الثانی ۱۳۰۹ هجری مطابق با ۳ ماه دسامبر ۱۹۸۸ میلادی اتفاق افتاد و
در گورستان خانوادگی در جوار خانقاه معالی سریناگر آسوده است. عبارت زیر
بر لوح مزارش بر سنگ سیاه بخط نستعلیق کنده است:-

هُوَالْبَکَاتِی

ای ز اهل حیات بان به اخلاص گل بر سر ما نشان به اخلاص
چون بگذری از مزار فطرت یک فاتحه‌ری بخوان به اخلاص
سید محمد مبارک گیلانی فطرت

۲۹ شعبان المعظم ۱۳۱۶ - تا ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۰۹ هـ

۳ دسامبر ۱۹۸۸

سال دهمال نفیسه و زهد و حکیم عارف راز شایه و مشهور
پای "مولای علی گرفته بکف" "فطرتش صالح و مبارک بود"
۱۳۹۹ + ۱۰ = ۱۴۰۹ هـ

گزیده‌پی از غزلیات فطرت

ما به دیوانه سری عهد شبانی داریم بادل سوختن چشم پر آبی داریم
گریه نیم شبی درد سحر درس کتاب در شب هجر چه خوشش راحت خوابی داریم

زخمه تار جنون چنگ و ربابی داریم	رگ رگ ماست بقانون مضمی بنوا
صبح از خون دل خویش شرابی داریم	شام از نقل جگر روزه که شایم مگر
وز دل سوخته می خویش کبابی داریم	میکشایم ز خمخانه چشم سببی
از نگر نازی او تازه غذای داریم	چشم امید را اگر سوی بی بکشایم
فطرت از موسم خوش باده می نابی داریم	عهد گل خنده زنان ابر سحر گریه کنان



دارم ز نغمه نفس خود رباب هم	من فی نواز محفل ستانه خودم
حیران حیرتم من و بلبل گلاب هم	با چشم زنگش چو شد آئینه رود رود
خواهد ز شاعران کشمیری جواب هم	فطرت در بسفت با شعار میسلوی



خدا دیده ام در جمال کسی	انا الحق زدم بر دصال کسی
بذکر و بفکر و خیال کسی	سحر گره زدم ساغر زر ترنگار
بیک جرعه کهنه سال کسی	ز رنگ و ز ناموس گشتم جدا
متاع من است این نه مال کسی	چو شد گردلم رفت از دست من
برادی و به موسی و نجال کسی	ز رنگ ز لوی و ز گل رفت دام
به رقص و به دحب و به حال کسی	سپندانه رقصیم فطرت بیا

